

هری پاتر ، یانگوم ، دختر چهگوارا

صد هزار مرتبه شکر که کلکسیون الگوهای ما تکمیل شد.

همه ما می‌دانیم که الگو چیز خوبی است و ما باید همیشه الگو بسازیم تا جوانان و کودکان ما بدون الگو نمانند و الگو داشته باشند تا احساس غرور و عزت کنند و آن الگو را الگوی خود قرار دهند برای پیشرفت در افق آینده.

در همین راستا مسئولان عزیز ما اعم از صداوسیما و غیر صداوسیما کاملاً به وظیفه خود عمل می‌کنند و تدریس الگو می‌سازند و در این راستا به غرض‌ها و اشکال تراشی‌های بعضی از کوه‌نظران، ندید پدیدها، منافق‌ها و صهیونیست‌ها هم توجه نمی‌کنند و الگوهایشان را می‌سازند. برای مثال ابتدا هری پاتر را به عنوان الگو معرفی کردند که خیلی با حال است. چون هم جادوگر است و جادو و جنل بلد است هم خیلی شانس دارد. درست است که خودمان امثال حسین فهمیده و بهنام محمدی را داریم که با دست خالی با چند تا جوان و نوجوان هم سن و سال خودشان جلوی چند لشکر وحشی تا دندان مسلح ایستادند. فهمیده با دو سه تا نازنینک یک تانک و چند تا مرگ‌خوار را فرستاد به درک. بهنام هم با دست خالی یعنی می‌کشت و اسلحه‌شان را غنیمت می‌گرفت، ولی خوب همه می‌دانیم که هیچ کدام از این‌ها جادو و خالی‌بندی نیست.

بعد از آن هم دست‌اندر کاران زحمت‌کش لطف نمودند و خانم یانگوم را معرفی کردند که خیلی هنرمند است و از هر انگشتش صدا می‌چکد. برای مثال می‌داند با برگ فلاں درخت و پوست فلاں میوه و علف فلاں منطقه چه سویی پیدا کرد و سرماخوردگی عالی جناب را چگونه می‌شود درمان کرد. حالا شاید کسی پیدا شود و بگوید: «هرد حساسی با وجود ابوغلی سینا و رازی و صداهای پزشک دیگر این دیار که هزار تا یانگوم را توی جیبشان می‌گذارند شما رفته‌اید سراغ یانگوم؟ جواب می‌دهیم: ای بابا، این همه گیر ندهید. ابوغلی سینا و رازی را که همه می‌شناسند این‌ها که نمی‌شنوند

الگو تازه مرغ همسایه غاز است. آخرین الگو هم شاهکاری است که این عزیزان رو کردند آن هم به‌عنوان سرمشق اراده، حق طلبی و ظلم‌ستیزی؛ یعنی دختر چهگوارا. به ما خیلی خوشحالی که مراسمی تحت عنوان «چ مثل چمران» در دانشگاه می‌گذارند و وقتی همه آمدند و نشستند می‌گویند فرقی نمی‌کند «چ مثل دختر چهگوارا» و علیاً مخدره چهگوارا هم قبول می‌کنند به این شرط که فراموش نکنیم آن‌ها یک ملت سوسیالیست هستند. بعد کارخانه الگوسازی یعنی صداوسیما هم او را دعوت می‌کند در ماه رمضان در یک برنامه که اسمش بود ماه عسل و قبل از افطار می‌گذاشت و معمولاً هم انسان‌های با ایمان و با اراده و با حال را می‌آورد که دم افطاری حال خوشی را به ملت تزریق کنند و... اگر کسی هم این وسط پیدا نشد و گفت: آخر انصافان را خوش این دیار شیران این همه الگو دارد. «امام خمینی»، چمران، بهشتی، امام موسی صدر، رجایی، همت، بروچردی و...» الا ماشاءالله شما رفته‌اید سراغ ینگه دنیا.

جواب می‌دهیم هیچ وقت کردی مجری سیما چه با احساس و آهنگین «ارنستو چهگوارا» را ادا می‌کرد جان من حال کردی؟! البته دیگر نمی‌توانیم بگویم مرغ همسایه غاز است بلکه باید بگویم مرغ دو سه چهار راه آن طرف‌تر غاز است.

پاورقی

• نیروهای شیر در داستان‌های هری پاتر.

Ala ya ayyohassaghi, ader
ke love easy nemood aval,
be booye nafei kakhar sab
ze tabe jade moshginash k
shabe dark asto bime wav
koja danand hale we sabo
mara dar house jananam c
jaras faryad midarad ke ba
be mey sajjade rangin kon
ke salek bi news nabvad z
hame workam ze khodkan
hidden when manad an se
swedish hafez !

دیوان رودکی است. گفتیم: اهکی این را دیگر نه؟ اخم کردند و گفتند: «ناراحت همی شویم.» گفتیم: آخر به چه دلیل؟ گفتند: «مگر نشنیدی وی همی گوید: بوی جوی مولیان آید همی» گفتیم: خب؟ گفتند: «خب این جوی که او گوید در شهر ماست.» غم‌انگیزتر از همه سرنوشت مولوی است. افغان‌ها گفتند: «یک زمانی بچه محل ما بوده پس مال ماست.» ترک‌ها گفتند: «قبرش اینجاست پس مولوی اهل ترکیه است.» تازه وعده دادند شعرهایش را به فارسی ترجمه کنند و برای ما بفرستند! تاجیک‌ها گفتند: «ما هم همسایه افغانی‌ها هستیم پس مولوی از ماست.» جالب اینکه هندی‌ها هم برای او فیلم ساختند و گفته‌اند مولوی یک بیت دارد که می‌گوید:

«ای بسا هندو و ترک هم زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان»

و چون در این شعر گفته: «هندو» پس هندی است. هنوز تازه آذربایجان و ترکمنستان خبر نشده‌اند. خب، حالا هم با ترجمه اشعار حافظ به سوتدی آن هم دو مجموعه، فردا پس فردا سوتدی‌ها هم ادعا می‌کنند چون شعرهای حافظ خیلی با حال و لطیف است و مردم ما خوششان آمده پس حافظ هم مال ماست. پس از حالا حافظ را هم باید رفته حساب کرد.

وقتی به دور و برمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم دیگر کسی برایمان نمانده جز یک سلمان فارسی و دو سه نفر دیگر. بماند که از بدشانشی ما مزار سلمان فارسی هم توی مدائن عراق است. فعلاً که عراقی‌ها سرگرم آمریکایی‌ها و القاعده و خردوریزهایش هستند اما به نظر ما همین که سرشان خلوت شد و فراغتی حاصل کردند اولین کاری که می‌کنند یزرگداشت سلمان فارسی است به این ادعا که سلمان فارسی عرب بوده، پس تو را به جان هر که دوست دارید تا تاریخ ادبیات فارسی کلا از فهرست درس‌های دبیرستان و دانشگاه حذف نشده فکری کنید.

